



## دانشجو، موذن جامعه...



● موفقیت اتفاقی نیست!

● بی رغبتی یا خاستگاه؟ مسئله این است!

● پرونده ناتمام (این فرد را هرکجا دیدید دستگیر کنید)

● تپه های مریخی

بخش ویژه طنزغروب

وظیفه مهم همه ما چه بنده، چه مسئولین دولتی در  
بخش‌های مختلف این سرزمین است که  
مترت معلم را در جامعه معرفی کنیم.



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۲/۱۹



امسال را سال فرهنگی در پردیس‌ها و مراکز اعلام می‌دارم.

دکتر حسین خنیفر رئیس دانشگاه فرهنگیان



طلوع



نشریه علمی، سخنوری طلوع فرهنگیان

شماره پنجم / آذر ۹۸

صاحب امتیاز: کانون گفتگو و نقد

مدیر مسئول: ایمان حسن آبادی

سر دبیر: بهمن رضایی

دبیر هیئت تحریریه: مهدی جان محمدی

هیئت تحریریه: علیرضا صالحی، محمد رضا رحمانی، امین شفاعتی و مرتضی دهنوی

طراح جلد و صفحه آرایی: سبحان سرمد، محمد ابراهیمی

محمد مهدی منصوریان و محمد مهدی منافی ورکیانی

روابط عمومی: سعید حسینی

ویراستاران: دکتر حسن یعقوبی، دکتر سعید کرکه آبادی، سرکار خانم رؤفی

ابوالفضل کاشانی و علی رضائی نیک

باتشکر ویژه از: نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان سمنان

دکتر حمید رضا کریم، دکتر ابراهیم حیدری لقب و جناب آقای جواد حافظی

۱

سخن سردبیر

۲

موفقیت اتفاقی نیست

۴

بدن سخن می گوید

۶

پرونده ناتمام

۸

بی رغبتی یا خاستگاه

۹

مدارس در مورد پول اطلاعات نمی دهند

۱۰

آموزش و پرورش ایران و تغییر رویکرد

۱۳

افسردگی را بهتر بشناسیم

۱۲

کارآگاه ریاضی

۱۴

راز آفرینش

۱۵

تپه های مریخی

۱۶

مصاحبه

۱۸

لومپنیسم سیاسی

۲۰

به وقت صفر

۲۱

یک نامه یک زندگی هزار درد

۲۲

کلتز ویژه غروب





# به عمل کار براید به سخندانی نیست

## سخن سردبیر

نویسنده: بهمن رضایی



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
سردبیر نشریه طلوع

در هر جامعه‌ای، این کردار و اخلاق افراد موفق است که بر دیگران تاثیر می‌گذارد و تبدیل به الگو می‌شود. باعث افتخار و سربلندی ماست که در خدمت شما دانشجو معلمان، معلمان و دانشجویان گرامی هستیم. امیدواریم در کنار هم برای کسب فضایی چون دلسوزی و عدالت تلاش کنیم. تا طلوعی دیگر بدرود.

از طرفی دیگر چون میزانی، هر چقدر هم کم از اطلاعات مختلف را داریم، فکر می‌کنیم از داشتن آن‌ها اشباع شده ایم و دیگر به دنبال جمع آوری اطلاعات کاربردی نمی‌رویم. سعی ما در این شماره از گاهنامه ی طلوع بر آن است که اطلاعاتی کاربردی در زندگی روزمره را در اختیارتان بگذاریم و کاری کنیم که موفقیت بیشتری کسب کنید. جامعه به شما انسان‌های موفق نیاز دارد و این شما عزیزان هستید که جامعه را هدایت و رهبری می‌کنید.

درود و سپاس بر شما همراهان عزیز. بار دیگر طلوع کردیم. این بار با دیدگاه‌هایی به‌روزتر، تجارب بیشتر، درکی عمیق‌تر و نگرش‌های متفاوت‌تر. به این امید که بتوانیم تشعشعاتی از این گفته‌ها و نوشته‌ها را بر قلب و عقل شما بتابانیم. امروزه ما با پدیده‌ای عجیب و نو روبرو هستیم. «مباران اطلاعات» اطلاعاتی که خیلی از ما نمی‌دانیم چگونه باید آنها را به کار بیندیم و استفاده کنیم.



شاعر: مهدی جان محمدی

دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
دبیر هیئت تحریریه

دو چشم سر از کشف اوناتو نم	که مانیت بودیم و کشتیم هست	به نام خدای خورشید و ماه
به چشم دل آید خدایر ننا	ور باز هچیم و هستیم پست	به نام خدای مسکین و شاه
تو ثابت کردی که پوشنده لاس	کم از قطره لاس، خدای علم	خدایی که با لطف و مهر زیاد
نبستی در بخشش از بنده لاس	چکانیده بر ما ز دیار علم	جهانی بنا کرد بر عدل و داد
چو بانام نیکویت آمد شروع،	چو کس تاب دیدار باطنش نداشت	خدایی که بر عشق تضریر کرد
غروبی نداد به خود اینم طلوع	به در ما سر ظاهر نشانی گذشت	به زیباترین کوزه تصویر کرد



نویسنده: بهمن رضایی



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
سر دبیر نشریه طلوع

تمرین و تکرار آنها را دائمی می کند. عادت، رفتاری اکتسابی از ناحیه اعمال غیرارادی است. مطالعات نشان می دهند ۹۵٪ چیزی که احساس می کنید، فکر می کنید، انجام می دهید و به دست می آورید، نتیجه ی عادت هایتان است. در واقع انسان های موفق، انسان هایی هستند که عادت درست و منظمی داشته اند و آن ها را شکل داده اند.

با یک مثال آن را واضح تر می کنیم؛ ۳ دوست را که با یکدیگر در یک محله بزرگ شده اند و حساسیت شان شبیه به هم هست تصور کنید. هر سه، سالیانه درآمدی حدود ۵ میلیون تومان دارند و برای چاقی بعد از ازدواج نگران هستند.

تصمیم های کوچک  
هوشمندانه + تکرار + زمان  
=  
تفاوت های شگرف

اگر همه ی نیاز شما، اطلاعات بیشتر بود، با کمک اینترنت می توانستید در کاخی بزرگ زندگی کنید، عضلات فولادین داشته و خوشحال باشید. چه بسا که تعداد زیادی از افراد موفق جهان اصلاً سواد و اطلاعات آکادمیک نداشته باشند.

زمانش رسیده است که رفتار و عادت های جدیدی داشته باشیم که از کارشکنی هایمان دور و به موفقیت نزدیک شویم. هر تصمیم کوچکی که می گیریم، می تواند ما را به زندگی ای که آرزویش را داریم، نزدیک یا دور کند. در حقیقت، تصمیم های کوچک به زندگی مان شکل می دهند. اگر فقط ۲ میلی متر از مسیرمان منحرف شویم و مسیرمان را تغییر دهیم، همین مقدار کم و به ظاهر بی اهمیت، ممکن است به انحرافی بزرگ تبدیل شود.

غذایی که می خوریم، محل کارمان، افرادی که با آن ها در ارتباط هستیم و حتی نحوه ی گذراندن بعدازظهرمان؛ همه این تصمیم ها زندگی امروزمان را شکل داده است.

قدم به قدم، روز به روز، انتخاب هایمان به رفتارهایمان شکل می دهند تا به عادت تبدیل شوند؛

زمانی که بشر زندگی خود را بر روی کره زمین آغاز کرده است، از اولین دغدغه هایش این بود که موفقیت را برای خود تعریف و برای رسیدن به آن تلاش کند. هر یک از مکاتب جهان موفقیت را به گونه ای تعبیر و تعریف کرده اند.

شاید برای اولین بار در تاریخ، در قرن حاضر انسان به این فکر افتاده است که موفقیت، هر تعریفی هم که داشته باشد اهمیت ندارد، بلکه باید به دنبال به وجود آوردن قالب بندی و فرمولی خاص برای رسیدن به آن باشد.

در واقع به وجود آوردن فرمولی که برای رسیدن به موفقیت در هر سطح و زمینه ای کاربرد داشته باشد و ثابت کند که وقوع آن اتفاقی نیست؛ بلکه نحوه کسب آن یک علم است. از این رو نوشته های زیادی درباره این موضوع در روانشناسی کنونی پدید آمده است ولی موضوعی وجود دارد که تمامی این موضوعات بر روی آن اتفاق نظر دارند.

ابتدا باید به این موضوع اشاره کرد که شما تا حدودی، دانسته هایی درباره کسب موفقیت دارید و به آموزش احتیاج ندارید.

در ماه بیست و پنجم تغییرات ظاهری محسوس و قابل مشاهده ای در آنها یافت شد. در ماه بیست و هفتم تغییرات شگرفی مشاهده شد. در ماه سی و یکم تغییرات به وضوح پیداشد.

براد چاق، و اسکات فقط با کنترل ۱۲۵ کالری روزانه، لاغر شده و ۱۵ کیلوگرم وزن کم کرده بود. براد در آن بازه زمانی ۱۲۵ کالری بیشتر مصرف کرده بود و ۱۵ کیلوگرم به وزن او اضافه شده بود. او حالا ۶۰ کیلوگرم از اسکات چاق تر است. اما تفاوت های دیگر زندگی‌شان چشم گیرتر است.

اسکات حدود هزاران ساعت کتاب مفید خوانده و به فایل های صوتی پیشرفت فردی‌اش گوش داده است. با اطلاعات جدیدی که کسب کرده، توانسته است اضافه حقوق و ترفیع بگیرد؛ از همه مهم تر، در نتیجه ی تغییرات مفید در زندگی فردی‌اش، زندگی زناشویی بهتری دارد.

براد از کارش خوشحال نبود و پایه های زندگی و ازدواجش رو به ویرانی می رفت. آدام نیز در جایگاه قبلی‌اش قرار داشت و بیشتر از زندگی شکایت می کرد. بیاییم از همین امروز کارهای روزانه خود را در یک دفترچه یادداشت بنویسیم؛ عادات خوب و بدمان را تشخیص ندهیم و برای تغییر تلاش کنیم.

دوست سوم، براد است که تصمیم های کوچک مخصوصی گرفت. او تلویزیونی با صفحه نمایش بزرگ خریده است که بتواند برنامه های آشپزی مورد علاقه اش را تماشا کند و دستور پخت غذاهایی مثل لازانیای پنیری را فراگیرد؛ او در اتاق پذیرایی‌اش یک بار کوچک مخصوص نوشیدنی طراحی کرده است و هفته ای یک نوشیدنی استفاده می کند. این موارد، چیزهای خیلی زیادی نیستند.

براد می خواهد فقط کمی بیشتر لذت ببرد. بعد از ۵ ماه هیچ تغییری در این ۳ دوست مشاهده نشد و هر یک به الگوهای رفتاری خود ادامه دادند.



در ماه دهم نیز تغییر محسوسی دیده نشد، اما در انتهای ماه هجدهم تغییرات ظاهری سنجش ناپذیر محدودی در این ۳ دوست پدیدار شد.

دوست اول آدام است که روال زندگی اش را تغییر نمی دهد. او خوشحال است یا دست کم چنین فکر می کند، اما بعضی مواقع از تغییر ناپذیری اش شکایت می کند.

دوست دوم اسکات است که شروع به تغییرات به ظاهر کوچک، بی اهمیت و مثبتی کرده است؛ برای مثال، روزانه ده صفحه از کتاب مفیدی را می خواند، فایل های صوتی الهام بخش و مرتبط با کارش را گوش می کند، با دکتر تغذیه مشورت کرده و با کمک او تغییری در زمینه ی تغذیه ی روزانه اش بوجود آورده است.

او با این برنامه، روزانه ۱۲۵ کالری از رژیم غذایی اش کم کرده است. اجرای این برنامه برای او، کار سختی نبود. برای نمونه او باید از آب به جای نوشابه استفاده کند و دو قاشق کمتر برنج بخورد، به پیاده روی روزانه برود و مسافتی حدود هزار قدم را طی کند.

این موارد کارهایی بودند که همه می توانستند انجام دهند و به تلاش و شجاعت مضاعف احتیاج نداشتند. اسکات مدام این کارها را تکرار می کرد و می دانست با وجود اینکه کارهای ساده ای است اما امکان دارد وسوسه شود و آنها را ترک کند.

نویسنده: مرتضی دهنوی



دانشجو معلم رشته علوم راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان سمنان

ارتباط غیر کلامی که در اصطلاح به آن زبان بدن (Body language) می گویند، توسط بخش ناهشیار انسان اداره می شود و هر انسانی بدون توجه به آن، آن را به کار می گیرد. زبان بدن در هر فرد نمایانگر بسیاری از حالات روحی، روانی و حتی شخصیتی فرد می باشد که می توان از آن، در ایجاد یک ارتباط مؤثر، استفاده کرد.

#### نشستن به شکل 4

این حالت، معمولاً به دوشکل به کار می رود. گاهی یک پا، به صورت عدد 4 روی پای دیگر قرار می گیرد و گاهی نیز یک پا، به صورت عدد 4 روی پای دیگر قرار گرفته و توسط یک یا هر دو دست گرفته می شود. این حالت در افرادی که نگرشی رقابتی، مشاجره ای، یک دنده و لجوج دارند، زیاد دیده می شود.

#### نشستن به شکل قوزک پای به هم چسبیده

این شکل از جمله حالت های پر کاربرد و متداول در میان افراد است. قوزک پای به هم چسبیده، بیانگر احساسات منفی است.

معمولاً از این حالت، به عنوان نوعی حالت تدافعی در مواجه شدن با احساس خطر، تعبیر می شود.

یعنی چه شده؟ چه چیزی باعث حالت انتقادی در او شده است؟ به او گفتم: خانم جانسون به نظر می آید، موضوعی فکر شما را مشغول کرده است؟ او جواب داد: «ب ب ب له آقای هلمز از کجا متوجه شدید؟ به او دوباره گفتم چه چیزی ذهن شما را به خود مشغول کرده است.

همان طور که مشتریان شگفت زده شده بودند، برای شما نیز جذاب خواهد بود که بدانید چگونه می توان بدون کلام، بر دیگران اثر گذار بود؟ شگفت آور خواهد بود که بدانیم در یک ارتباط، بخش عظیمی از ارتباط انسان، به صورت غیر کلامی صورت می گیرد.

آلبرت محرابیان روایت می کند که در یک تعامل، ۵۵ درصد آن به صورت غیر کلامی است و میزان اثر بخشی آن بر فرد مقابل بیشتر از کلمات است. زمانی که شما در یک مهمانی هستید، وقتی به سمت میهمانان حرکت می کنید و به آنها دست می دهید هنوز هیچ ارتباط کلامی با یک دیگر برقرار نکرده اید ولی در حقیقت ارتباط شما، قبل از سخن گفتن شروع شده است، به طوری که همین ارتباط باعث می شود دیدگاهی، در شما، نسبت به مخاطب تان شکل بگیرد.

خیلی استرس داشتم. سر و رویم خیس عرق شده بود. وای خدای من، این اولین تجربه من است. نمی دانم آیا می توانستم از مهارتی که زمان زیادی صرف یادگیری آن کرده بودم، به درستی استفاده کنم یا نه؟ نمی دانم آیا این مهارت، مرا در این معامله یاری خواهد کرد؟ جلسه شروع شد، از همه شرکت ها، حضور داشتند.

من شروع به تبلیغات کردم. در ابتدای جلسه، مشتریان بسیار مشتاقانه به حرف هایم گوش می دادند اما پس از مدتی، کم کم حالات بدنی آنها تغییر کرد. به نظر می رسید، دیگر تمایلی به شنیدن صحبت های من ندارند. با مشاهده این وضع، دست و پایم لرزید. وای خدای من اگر نتوانم آنها را متقاعد کنم، شرکت متحمل ضرر بزرگی خواهد شد و آقای جونز مرا اخراج خواهد کرد.

به دنبال راه حلی بودم تا جو حاکم را عوض کنم. ناگهان چیزی نظرم را به خود جلب کرد. حالات یکی از مشتریان با بقیه متفاوت بود. اگر اشتباه نکنم، آن فرد که انگشت اشاره اش، را زیر گونه خود، به سمت بالا و انگشت دیگرش را روی دهان خود قرار داده بود، خانم جانسون است.

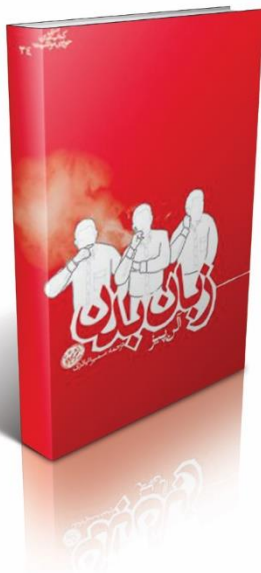


### گرفتن مچ، ساعد یا بازو

گرفتن مچ، ساعد و یا بازو معمولاً در میان افرادی که بسیار صمیمی هستند، به منظور انتقال صمیمیت و رابطه عمیق عاطفی به کار می رود. این حالات در میان گروه دوستان و آشنایان بیشتر دیده می شود. وقتی می خواهید علاقه شدیدتان را به فردی ابراز کنید، این حالت ها برای دست دادن توصیه می شود. در تحقیقات اخیر به اثبات رسیده است که گرفتن آرنج، احساس بیش تری نسبت به گرفتن مچ و گرفتن شانه، احساس عمیق تری را نسبت به گرفتن بازو در طرف مقابل ایجاد می کند.

منبع:

کتاب زبان بدن آلن پیز



### حالت کف دست

کف دست یکی از قوی ترین راه های ارتباطی است که به صورت غیر کلامی انجام می شود. اگر کف دست رو به بالا باشد نشان از صداقت، تواضع، بیان حقیقت و روراست بودن با دیگری است. فرض کنید در خیابان در حال قدم زدن می باشید، ناگهان فردی به شما نزدیک می شود و از شما تقاضای کمک می کند، اگر کف دست رو به بالا باشد نشان از صداقت، تواضع، بیان حقیقت و روراست بودن با دیگری است. فرض کنید در خیابان در حال قدم زدن می باشید، ناگهان فردی به شما نزدیک می شود و از شما تقاضای کمک می کند، اگر کف دست او رو به بالا باشد، احتمالاً بتوان به او اعتماد کرد.



### ماهی مرده دست دادن

نوعی دیگر از دست دادن به ماهی مرده دست دادن معروف است. این حالت می تواند گویای بخشی از شخصیت شما باشد. افرادی که ضعیف هستند و یا اعتماد به نفس پایینی دارند، اینگونه با دیگران دست می دهند.

شاید به این دلیل باشد که دانش آموزان در نخستین روز مدرسه از این حالت، به خاطر احساس ناآشنایی که با معلم جدید خود دارند، استفاده می کنند. همچنین هنگامی که با شخصی در حال صحبت کردن هستید و آن شخص سعی می کند، افکار و یا چیزی را از شما پنهان کند، نیز مورد استفاده قرار می گیرد. پژوهش های صورت گرفته نشان داده است که در هنگام عصبانیت و ترس نیز این حالت در افراد دیده می شود.

### دستهای پشت سر

وقتی با کسی روبرو می شوید که دستهایش را در پشت سر خود قرار داده است، چه احساسی در شما، نسبت به آن شخص ایجاد می شود؟ شاید این شرایط برای شما نیز پیش آمده باشد. افراد هنگامی که احساس راحتی و اعتماد به نفس می کنند، ممکن است از این حالت استفاده کنند. کسانی که احساس دانایی می کند و از اطلاعات کافی در یک یا چند زمینه برخوردار هستند نیز از این حالت بدنی استفاده می کنند.



# پرونده ناتمام

## این فرد را هر کجا دیدید دستگیر کنید!

نویسنده: صالح فیاض



دانشجو معلم رشته علوم راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان سمنان

اگر کشمیری نزدیک‌ترین شخص به مِمب هم باشد باید جمجمه‌اش سالم باشد، به خاطر اینکه جمجمه از آب تشکیل شده و در انفجار، جمجمه سالم می‌ماند و همانطور که مشاهده می‌فرمایید جمجمه ی آقایان رجایی و باهنر سالم مانده است. ایشان هم به موضوع مشکوک شدند و از یکی از پاسدارها خواستند این موضوع را پیگیری کند و جمجمه ی او را بیابد؛ او نیز سریعاً این موضوع را مخابره کرد.

تیتروزارنامه‌ها از فردا این شده بود که عامل اصلی انفجار کیست؟ ابهام اصلی این معما، تابوت سوم در روز به خاک سپاری است. این تابوت متعلق به مسعود کشمیری است که روزنامه‌ها او را شهید سوم اعلام کرده اند اما سوال این بود که چرا تابوت تهی است؟ با انجام تحقیقات بیشتر، بر همگان اثبات شد که کشمیری منفجرکننده‌ی دفتر بوده و اکنون متواری است.



اما کشمیری کیست؟ او فرزند سعید متولد ۱۳۲۹ از کرمانشاه و فارغ التحصیل رشته علوم اداری از دانشگاه تهران بود.

فردای آن روز ، روابط عمومی نخست‌وزیری شهدای آن واقعه را سه نفر اعلام کرد ؛ محمدعلی رجایی، محمد جواد باهنر و مسعود کشمیری. دهم شهریور تابوت این سه نفر را برای تشییع به مجلس آوردند.



موسی زرگر یکی از نمایندگان دوره اول مجلس می‌گوید که «در کنار اجساد در حال گریه و اصلا قادر به کنترل کردن خودم نبودم، به طوری که آیت‌الله خامنه‌ای زیر بغلم را گرفت و به من گفتند: «انتظار تحمل و شکیبایی بیشتری را از شما داریم». به ایشان گفتم «من نسبت به موضوعی مشکوک هستم». ایشان گفتند: چه موضوعی؟ گفتم: مقداری خاکستر جمع کرده‌اند و به ما می‌گویند این جسد کشمیری است.

قرار است در ساعت ۳ بعدازظهر جلسه شورای عالی امنیت ملی در دفتر نخست‌وزیری با حضور رییس جمهور و نخست‌وزیر برگزار شود. محمدعلی رجایی چندروزی است بر مسند ریاست جمهوری تکیه زده و باهنر را به عنوان نخست‌وزیر برگزیده است. موضوع امروز جلسه، کنترل شرایط بحرانی کشور می‌باشد.

ششم تیر ماه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر ترور شد. هفتم تیر آیت‌الله دکتر بهشتی و هفتاد و دو نفر از افراد رده بالا در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

تهران در موجی از وحشت و ترور فرورفته است. جلسه‌ای که برای کنترل اوضاع بحرانی آن زمان تشکیل شد، خیلی زود به اتمام رسید. انفجاری که در آن رییس جمهور و نخست‌وزیر، (شهید رجایی و باهنر) به دیدار حق شتافتند.

محمدحسین رجایی، برادر رییس‌جمهور روایت می‌کند: «شناسایی اجساد بسیار سخت بود و در نهایت توانستند با آزمایش بر روی دندان‌هایشان اجساد را تشخیص دهند.»

اما تقی محمدی در زندان اوین دست به خودکشی زد. با خودکشی او سرنخ های انفجار دفتر نخست وزیری گم شد.

سید محمد موسوی خویینی ها دادستان کل کشور در ۸ خرداد ۱۳۶۵ در بیانیه ای اعلام کرد چون هیچ دلیل محکمی برای اثبات اتهامات وارده وجود نداشته، پرونده مختومه شده است. کشمیری پس از انفجار دفتر نخست وزیری از مرز کرمانشاه گریخت. اخبار و اطلاعات از منبع موثقی وجود ندارد که او هم اکنون در کجا زندگی می کند.

#### منابع:

مستند نفوذی

مستند پرونده ناقص

خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی

عزت الله مطهری معاون وقت کمیته انقلاب می گوید: «بچه های حفاظت اشتباه بزرگی مرتکب شدند. وقتی می بینند شخصی این همه اصرار می کند، باید هر طور شده کیف را مورد بازرسی قرار دهند».



مهدی پاکدل در نقش کشمیری (فیلم ماجرای نیمروز)

وقتی آیت الله خامنه ای از قلابی بودن جسد کشمیری خبر داد پرونده ای زیر نظر آیت الله قدوسی برای دستگیری او تشکیل شد. در حالی که وی در حال جمع آوری اسناد برای پیگیری این پرونده بود ناگهان خبری همه را مبهوت خود کرد: آیت الله قدوسی به کاروان شهدا پیوست.

با شهادت وی ادامه ی پیگیری پرونده برای اندک زمانی متوقف شد. بعد از وی، اسدالله لاجوردی با اختیارات تام، مامور پیگیری پرونده شد. او غلامحسین محسنی اژه ای را مامور دستگیری افراد مرتبط با کشمیری کرد، چنانچه او تقی محمدی را دستگیر کرد.

احمد سعادت، عضو ستاد ضد کودتای نوژه می گوید: «اظهاری بسیار موجه و حزب اللهی برای خودش دست و پا کرده بود. تمامی دوشنبه ها و پنج شنبه ها ادعا می کرد که روزه است. او اظهار می کرد که در تمامی جلسات با وضو وارد می شود».

جعفر شجونی یکی از نمایندگان دوره اول مجلس درباره کشمیری می گوید: «اگر ظهر در خیابان پاستور اذان می دادند او بدون معطلی اورکتش را بر روی زمین پهن می کرد و مشغول خواندن نماز می شد؛ با چنین حرکاتی توانست توجه دیگران را به سمت خود جلب کند.

کشمیری به دفتر اطلاعات نخست وزیری راه پیدا کرد و به سمت دبیرشورای عالی امنیت ملی منصوب شد. این سمت او را در شرایط فوق العاده ای قرار داد. چنانکه او می توانست بدون بازرسی به دیدار مقامات عالی کشور برود.

روزی او به همراه هیئت دولت به دیدار امام خمینی (ره) به جماران می رود. او یک کیف نیز به همراه دارد، پاسداران درخواست بازرسی کیف او را دارند ولی او ناراحت شده و از انجام این کار امتناع می ورزد. شهید رجایی از پاسداران می خواهد او کیف را همراه خودش به جلسه ببرد ولی آن ها زیر بار نمی روند، می خواهند از محتویات درون آن مطلع شوند.

# بی‌رغبتی یا خاستگاه؟ مسئله این است!

نویسنده: ایمان حسن آبادی



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
مدیر مسئول نشریه طلوع

از جمله دلایل آن هم می‌توان به بی‌توجهی مسئولین نسبت به این فعالیت‌ها را نام برد. چنان‌که ایشان حیطه فعالیت‌های دانشجو را صرف تحصیل و کسب علم می‌دانند؛ اما شایسته است در کنار تحصیل کمی به فعالیت‌های شادی بخش مانند: «ورزش» هم پرداخته شود تا علاوه بر ایجاد شور و نشاط در دانشجویان، شاهد پیشرفت در فعالیت‌های علمی و پژوهشی آنان نیز باشیم.

## فضای مجازی

با وجود فواید فضای مجازی برای دانشجویان، مانند: «کسب درآمد و کسب علم»، متأسفانه آسیب‌هایی محسوس هم در این بین وجود دارد. پیش از آنکه بخواهیم به صورت واقع بینانه به این مورد بپردازیم، جالب است بدانیم که بیشتر زمان دانشجویان نه در فضای خوابگاه و محیط آموزشی، بلکه در فضای مجازی سپری می‌شود. یکی از راهکارهای مناسب برای این مورد، برگزاری مسابقات، انتشار پرسشنامه‌هایی کاربردی (بصورت مجازی) و فراهم کردن هدایا و امتیازاتی درخور توجه، برای برانگیختن میل دانشجویان به این‌گونه فعالیت‌ها می‌باشد.

## روحیه ی انتقادی و مطالبه‌گری

طبق «ماده ۳۸» مندرج در منشور حقوق دانشجویی صادره از وزرات علوم، دانشجویان حق دارند از عملکرد مسئولین دانشگاه و سیاست‌های شکل گرفته از طرف آنان انتقاد کنند و نقدهای خود را از طریق مسیرهای قانونی مانند: «نشریات دانشجویی، شورای صنفی و رفاهی و تشکل‌های اسلامی» بیان کنند. همچنین در جامعه و یا نظام آموزشی کشور، محیط یا مرکزی برای آموزش انتقاد یا مطالبه‌گری صحیح، تأسیس نشده است. کانون‌ها و تشکلات دانشجویی مرتبط با این‌گونه فعالیت‌ها در دانشگاه‌ها، از جمله راه‌های قانونی مصونیت مقام دانشجو می‌باشند. مانند: «کانون گفتگو و نقد» که از اهداف اصلی آن، آموزش صحیح روحیه نقدپذیری، نقادی و همچنین تلاش در جهت رفع نواقص می‌باشد.

## خاستگاه محیطی دانشگاه‌ها

بطور طبیعی باید هر دانشگاهی را با توجه به جو حاکم (به لحاظ فعالیت‌های مختلف) با همان دانشگاه مقایسه کرد. بعنوان مثال: «یکی از جنبه‌های فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان، فعالیت ورزشی است».

امروزه دانشگاه‌ها از ارکان مهم و اصلی تأمین‌کننده نیروی انسانی مورد نیاز جامعه به شمار می‌روند. آموزش صحیح و درعین حال توأم با پرورش همه جانبه می‌تواند باعث تسریع حرکت جامعه به اهداف خود شود. حال آن‌که اگر دانشجویان در طول مدت تحصیل از اوقات فراغت خود بهره کافی نبرند، این مهم می‌تواند اثرات زیان‌باری را برجای بگذارد. در این پژوهش سعی بر آن داریم تا با برخی از عوامل رخوت و بی‌رغبتی دانشجویان، ابعاد فعالیت‌های فوق برنامه (فعالیت‌های علمی پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی)، آشنا شویم و در حد توان راهکارهایی برای حل این معضلات ارائه دهیم.

## عدم اطلاع از حقوق دانشجویی

به جرأت می‌توان گفت که از بزرگترین معضلات جامعه دانشجویی کشور، عدم اطلاع و دسترسی به منشور حقوق دانشجویی است. این منشور به همت دفتر «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم» طراحی گردیده که تقریباً تمام اطلاعات مورد نیاز «دانشجو» را که لازم است در طول دوران تحصیل بدان آگاه باشد، آورده است. کمتر کسی پیدا می‌شود که زمانی را برای مطالعه آن اختصاص داده باشد.



سجاد تلخابی

دانشجو معلم رشته آموزش ریاضی  
دانشگاه فرهنگیان سمنان



نویسندگان: پدرام فیروزیان

دانشجو معلم رشته آموزش ریاضی  
دانشگاه فرهنگیان سمنان

## راهکار

پیشرفت مسائل مالی، باعث شکل گیری بازارهای نوینی شده که فعالیت در آن‌ها به صورت تجربی به ما آموزش می‌دهد که چگونه از منابع مالی کوچک خود هزینه‌های سرسام آور آینده را جبران، تأمین و حتی بیشتر از آن را به دست آوریم. بازاری را تصور کنید که همه تجارت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود و همه شغل‌ها در این بازار وجود دارند. فکر می‌کنید منظور، دقیقاً کدام بازار تجاری است؟ بله، بورس و بازارهای مالی نوین. بورس، محلی است که به طور هم‌زمان شما می‌توانید در ۱۰ صنعت بزرگ و کوچک مشارکت کنید و در مورد هر کدام و نحوه کار کردن در آن‌ها اطلاعات جامع به دست بیاورید. این اطلاعات می‌تواند به شما دیدی نو و بدیع ببخشد و همچنین به شما کمک کند تا توانایی‌های خودتان را از نگاهی دیگر بررسی کنید. فرصت دانشجویی و اوقات فراغت در آن، بهترین زمان برای کسب این اطلاعات بزرگ است تا به شما کمک کند چطور یاد بگیرید که علاوه بر کار کردن خودتان، پولتان نیز برای شما کار کند.

## مقایسه ایران و جهان از نظر سواد مالی

این نقصان عدم وجود آموزش‌های مالی در آموزش و پرورش در ایران به طور محسوسی قابل لمس است. متأسفانه آمارها نشان می‌دهند کشور ما در مقایسه با دیگر کشورها نیز عملکرد خوبی نداشته و سواد مالی ایرانیان پایین‌تر از متوسط جهانی است.



میزان سواد مالی اقتصادی جهان

ترس و طمع علت اصلی، نبود سواد کافی در حوزه مسائل مالی است. به عبارت دیگر، ترس افراد عادی از ورود به سرمایه‌گذاری و ضررهایی که احتمال دارد در ادامه به آن دچار شوند، بیشترین تأثیر را در این حوزه دارد؛ زیرا افرادی که تخصص زیادی هم دارند، برای به شکوفایی رساندن توانایی و تخصص خود مجبور می‌شوند در نهایت، با کسانی که صاحب ثروت هستند، وارد معامله شوند.

همه به فکر فردا و زندگی بهتر شغل پردرآمدتر هستند؛ ولی راه رسیدن به هر کدام از این موارد، از مدرسه نمی‌گذرد؛ واقعیتی که امروز همگان، درستی آن را درک کرده‌اند. آیا در تمام 12 سال دوران ابتدایی و متوسطه، حرفی از انواع وام‌ها، اسناد ملکی، وثیقه‌ها و به طور کلی، پول و چگونگی درآمدزایی، مدیریت مالی و انواع ریسک‌ها و... به میان آمده است؟ اگر دانش‌آموزی از داشتن پدری ثروتمند و با هوش مالی بالا بی‌بهره باشد، چگونه می‌تواند خود را از آماج ترس‌ها و تهدیدهای مالی جهان اطرافش برهاند؟ حقیقت امر این است که مدارس؛ بیشترین تمرکز خود را صرف تعلیم افراد متخصص می‌کنند؛ در حالی که بقای کشور در گرو متخصصانی نیست که در مدارس تربیت میشوند، چون بدون آموزش‌های مالی، افراد متخصص هم برده پول هستند. با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که در واقع این ثروت پدر نیست که عامل ثروتمندی فرزندان می‌شود، بلکه نحوه برخورد با مقوله پول است که فرزندان، ناخودآگاه از پدر خود به ارث برده‌اند.



# آموزش و پرورش ایران و تغییر رویکرد

نویسنده: سید ابوالفضل تقوی



سرپرست شبانه روزی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی

هدف تعلیم و تربیت را در «تربیت فرد» می بیند و قهراً بهبود جامعه را از راه کوشش برای ساختن شهروندان خوب دنبال می کند.

« کارلسن »، وزیر وقت آموزش و پرورش و فرهنگ سوئد، در کتاب « آموختن برای زیستن »- که در سال ۱۹۷۵ میلادی توسط یونسکو منتشر شده، آورده است: «هدف آموزش و پرورش، آن است که به هر فرد امکان دهد تا برای شکوفا ساختن استعدادها و ذوق های خود آزادانه بکوشد.»

علاوه بر این نظریات، اندیشه های دانشمندان بزرگ در حوزه آموزش و پرورش، گواه این واقعیت است که یکی از اهداف جدی سیستم های گوناگون آموزش و پرورش در جهان، «یادگیری برای زندگی» و تأکید بر اهمیت آموختن مهارت های زندگی و جنبه های فرهنگی- تربیتی دانش آموزان است.

بدیهی است به دلیل تفاوت های آشکار که در مبانی فلسفه نظری، شرایط اجتماعی، ارزش ها، باورها، عاداتها، نحوه زندگی، اقتصاد و... در جوامع گوناگون، در ترسیم محتوا و شیوه تحقق اهداف، اختلاف های فراوانی وجود داشته باشد.

اندیشه های صاحب نظران در

تبیین اهداف آموزش و پرورش

« فروبل»، دانشمند آلمانی (۱۷۸۲-۱۸۵۲ میلادی) در حالی که تربیت را « رشد دادن قوای پنهانی که طبیعت در نهاد طفل به ودیعه گذاشته است » می داند، به بار آوردن طفل در اجتماع و برای زندگی در جامعه اعتقاد دارد. در حقیقت، او به هدف اجتماعی تعلیم و تربیت تأکید کرده است. به نظر «پستالژی»، مربی و معلم برجسته سوئسی (۱۷۴۶ - ۱۸۲۷ میلادی)، تربیت یعنی: «رشد طبیعی و تدریجی و متناسب تمام قوا و استعدادهایی که در وجود طفل پنهان است».

«ابوعلی سینا»، دانشمند و فیلسوف بزرگ مسلمان، برای «تربیت فرد» اهمیت بسیاری قائل شده و معتقد است: «اولاً باید به تربیت اخلاقی اهمیت دارد، ثانیاً باید ذوق و عشق طفل را در انتخاب شغل مراعات کرد، ثالثاً در موقع تحصیل از تربیت بدن و حفظ صحت او نباید غفلت نمود».

« خواجه نصرالدین طوسی »، دانشمند و فیلسوف بزرگ ایرانی، در کتاب «اخلاق ناصری» با مطرح کردن برخی ابعاد تربیت، همچون: تأدیب و ریاضت اخلاق، آموختن سنن و وظایف دین، سواد و اخبار و اشعار، یاد دادن آداب زندگی و آموختن پیشه و شغل؛

اخیراً یکی از مدیران ارشد آموزش و پرورش در هفته پژوهش، اعلام داشتند: «اگر ما بتوانیم در آموزش و پرورش، فضایی را ایجاد کنیم که رویکرد آموزشی غالب، به رویکرد فرهنگی- تربیتی تبدیل شود و بیش از انتقال معلومات و محفوظات در جستجوی تقویت مهارتها و اصلاح نگرشها در کودکان و نوجوانان باشیم، قطعاً با خمیرمایه استعدادی که در فرزندان این مرز و بوم هست و تاریخ هم قوت آن را اثبات کرده است، به راحتی می توان پرسشگری را در کشور، بیش از پیش نهادینه کرد.

تردیدی نیست این سخنان، بیانگر نگاه آسیب شناسانه و دردمندانه به آموزش و پرورش است. عدم تناسب توانایی ها و مهارت های دانش آموزان پس از دریافت دیپلم با نیازها و انتظارات جامعه عدم انتقال مهارت های زندگی به دانش آموزان در طول زمان یادگیری- یاددهی و عدم مجال برای اندیشیدن و پرسشگری آنان، اشاعه شیوه آموزشی حافظه مدارانه برنامه درسی و تأثیر آسیب زای کنکور در فرایند تعلیم و تربیت - خصوصاً در دوره آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی- از واقعیت های تلخ امروز آموزش و پرورش است.

## چشم انداز آینده و بررسی موشکافانه

اشاره اجمالی به سیر فکری در تبیین هدفهای آموزش و پرورش و بررسی موشکافانه واقعیت های تلخ و شیرین آموزش و پرورش ایران، بیانگر چند نکته است:

۱. تغییر رویکرد از «رویکرد آموزشی» به رویکرد فرهنگی - تربیتی، نکته و ایده جدیدی نیست و پیشه تاریخی آن به چند قرن بازمی گردد.

۲. مجموع رویکردها و هدفهای آموزش و پرورش، صرفاً بخشی از ورودیهای سیستم آموزش و پرورش قلمداد می شد بنابراین تا سایر اجزای ورودی سیستم، فرایند عملیات سیستم و ارزشیابی خروجی سیستم، به دقت و جامعیت و واقع بینی علمی و تحلیلی ملاحظه نشود، اتفاق خاصی در کلان آموزش و پرورش رخ نخواهد داد.

۳. پررنگ ساختن رویکرد فرهنگی - تربیتی به قیمت کم رنگ ساختن رویکرد آموزش، جز تشدید حساسیت و توهم جدایی آموزش از پرورش در فضای روانی آن، هیچ تأثیر دیگری نخواهد داشت.

۴. عینیت بخشیدن به «تقویت مهارتها و اصلاح نگرشها در کودکان و نوجوانان» و «نهادینه ساختن پرسشگری» - که یکی از انواع مهارت های زندگی است - نیاز به برنامه ریزی جامع، روشمند و آینده گرایانه دارد.

با توجه به چالش ها و واقعیت های متن آموزش و پرورش، باید بایک نگرش سیستمی و همه جانبه علمی، با اصلاح زیرساخت های مدیریتی، به مؤلفه های اساسی آن، همچون: طراحی و برنامه ریزی کلان (مثلاً سند ملی آموزش و پرورش)، اصلاح مدیریت منابع انسانی (انگیزش، آموزش و توسعه)، بازنگری در اقتصاد و برنامه ریزی مالی - اداری آن، اصلاح سیستم آموزشی (منابع آموزشی، شیوه های یادگیری - یاددهی معلمان، فضاهای مدارس، استفاده مناسب از تکنولوژی آموزشی و اصلاح حوزه پژوهش (IT)، ایجاد یکپارچگی و کاربست)، ترسیم الگوی مناسب برای تغییر و اصلاح رفتار دانش آموزان در یک برنامه جامع و استفاده از همه ظرفیت های ملی، اصلاح شیوه ارزشیابی و معضل کنکور و... پرداخت.

قطعاً ریشه یابی و آسیب شناسی پدیده ها در وضعیت موجود، بازشناسی ماهوی و ترسیم الگوی مناسب برای رسیدن به وضعیت مطلوب در مورد هر یک از این مشکلات، نیاز به تأمل و تدبیر خواهد داشت. امید است همه صاحب نظران اندیشمند و دلسوز، «آموزش و پرورش» را به یک مسأله و دغدغه ملی تبدیل کنند.

### منابع:

- پژوهش خبرنگارانه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به مناسبت هفته پژوهش.
- مسائل آموزش و پرورش، محمدطاهر معیری. نشر امیرکبیر.
- آموزش و پرورش، محمدعلی ضمیری. نشر ساسان.

### معرفی کتاب

#### نام کتاب: مشاوره گروهی با کودکان داغدیده

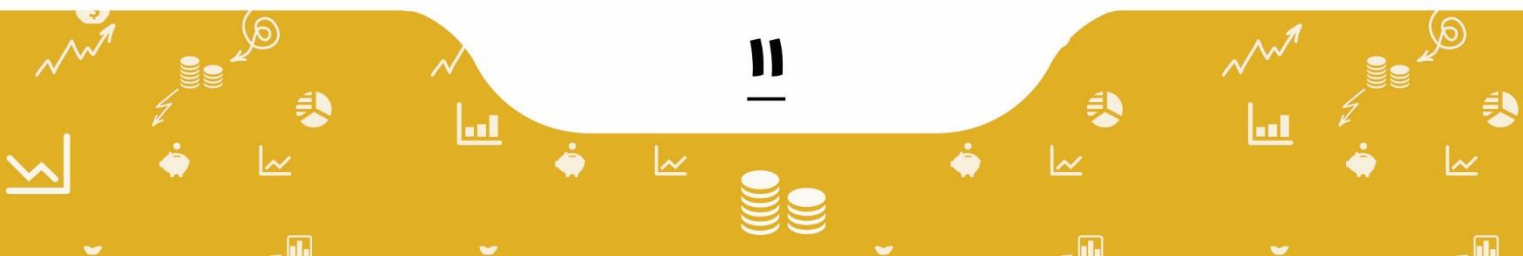
#### نویسندگان: بت هاسل، جین مارنوجا مترجم: دکتر نسترن ادیب راد

چند وقت پیش داشتم داستانی راجع به یک خانواده می می خواندم که در آن داستان مادر خانواده در طی یک تصادف فوت می کند؛ همانجا بود که این سوال در ذهنم شکل گرفت که اگر در آینده یکی از دانش آموزان من هم دچار پدیده «سوک» شود، من به عنوان معلم او باید چه کارهایی برای رفع این مشکل انجام دهم؟

با مطالعه این کتاب و تلفیق آن با تجربیات خود و افراد باتجربه تر در حل معضلات دانش آموزانی که در آینده با آنها روبرو خواهیم شد و دچار این مشکل هستند یاری برسانیم.

محتوای کتاب در شش گام طراحی شده که برای کودکان بین شش تا پانزده ساله مناسب و شامل بخش هایی است که به مرگ و سوگواری، احساسات، عزت نفس، ابراز احساسات مرتبط با سوگ، خاکسپاری و بهبود مهارت های سازگاری اختصاص دارند.

معرفی: محمد مهدی گرایلی افرا



نویسنده: علیرضا صالحی



دانشجو معلم رشته آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان سمنان

کارآگاهان قطره‌های خونی را زیر قفسه‌های کتاب پیدا کردند که شکل آنها نشان می‌داد، زاویه برخوردشان با زمین نمی‌توانست مربوط به درگیری در حالت ایستاده باشد و با گفته‌های او تناقض داشت. با تحقیقات بیشتر ثابت شد او ابتدا دوست مقتولش را بیهوش و سپس، جسمش را به آنجا منتقل کرده و او را کشته است.

با این تفاسیر، باید به این موضوع که درستی یا نادرستی هر چیزی به وسیله ریاضیات آشکار می‌شود، ایمان بیاوریم.



به طور مثال، در سال ۱۹۹۵ مردی با اداره پلیس تماس گرفت و ادعا کرد که همسرش با شلیک گلوله خودکشی کرده است. وقتی پلیس به صحنه جرم رسید، روی پیراهن مرد قطره‌های خون دید که مرد مدعی شده بود، وقتی سعی داشت جلوی خونریزی را بگیرد، لباسش خونی شده است. تمامی کارآگاهان و قضات قانع شده بودند که مرد بی‌گناه است؛ به جز یک جرم‌شناس که ادعا کرده بود نسبت عرض به طول قطره‌های خون روی لباس، فقط زمانی رخ می‌دهد که خون با سرعت بالا به لباس پاشیده شده باشد. این حالت، تنها در لحظه‌ی برخورد گلوله با مقتول اتفاق افتاده است و نمی‌توانست در هنگام کمک‌کردن رخ داده باشد. اظهار نظر این جرم‌شناس سبب شد که در نهایت مرد مدعی، به جرم قتل، محکوم به حبس ابد شود.

همچنین، در سال ۲۰۱۱، زنی یکی از همکارانش را در مغازه‌ای که کار می‌کردند به قتل رساند. او ابتدا سعی کرد وانمود کند که مهاجمان به آنها حمله کرده و پس از درگیری، همکارش را به قتل رسانده و فرار کردند. در اینجا نیز، ریاضی دروغ او را آشکار ساخت.

ریاضی در خون و خونریزی هم کاربرد دارد. بعضی وقت‌ها قاتلان سعی می‌کنند قتل را به صورت یک خودکشی نشان دهند؛ ولی ریاضی می‌گوید آنها را می‌گیرد. از کاربردهای وسیع ریاضی می‌توان به برنامه‌های آزمایش قطره‌های خون اشاره کرد. در واقع، قطره‌های خون شکل‌ها و طرح‌های بسیار متفاوتی دارند که بر اساس زاویه و سرعت برخورد به سطح ممکن است به شکل دایره، بیضی و یا شکل‌های دیگر در آیند؛ مثلاً قطره‌های خونی که از برخورد گلوله ایجاد می‌شوند، به صورت بیضی‌شکل و قطره‌هایی که بر اثر چاقو به وجود می‌آیند، دایره‌ای‌شکل می‌باشند. ابعاد لبه قطره‌های خون به زاویه برخورد با سطح مربوط می‌باشد؛ لذا، در صورتی که زاویه ثابت باشد، ابعاد قطره خون، حتی اگر سرعت برخورد متفاوتی داشته باشد، تغییری نمی‌کند. با تعیین نسبت عرض به طول قطره‌های خون و به کمک روابط مثلثاتی، می‌توانیم علاوه بر زاویه برخورد، ارتفاعی را که در آن گلوله شلیک شده نیز محاسبه کنیم.







# افسردگی را بهتر بشناسیم

نویسنده: امین شفاعتی



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان

## علائم افسردگی

### الف) علائم جسمی:

۱. تغییر اشتها (افزایش یا کاهش اشتها)
۲. آشفتگی در خواب (بد خوابی، به سختی به خواب رفتن)
۳. خستگی-کم تحرکی روحی و جسمی

### ب) علائم شناختی:

علائم شناختی بیشتر شامل افکار منفی است. افراد افسرده اعتماد به نفس اندکی دارند، احساس بی کفایتی کرده و برای شکست‌هایشان خود را تحقیر می‌کنند. آن‌ها از آینده نا امیدند و به انجام هر کاری برای بهبود زندگی شان بدبین هستند. تفکر افراد افسرده باعث می‌شود که انسان جهان را با دیدی منفی بنگرد.

## روش درمان افسردگی

قدم اول در درمان افسردگی، تشخیص آن در خود، اطرافیان و عزیزانمان می باشد؛ قدم بعدی، سرزنش نکردن و بی تقصیر دانستن فرد در بیماری اش و کمک خواستن از متخصصان بهداشت روان است. عواملی مانند ورزش کردن، معاشرت و تغذیه مناسب نیز در درمان افسردگی موثرند.

**افسردگی متوسط :** در افسردگی متوسط، خلق ملول پایدار است و شخص علائم جسمی هم دارد؛ اگر چه این علائم از شخصی به شخص دیگر متفاوت است، بعید است تغییر شیوه زندگی به تنهایی مؤثر واقع شود و شخص نیازمند دارویی از جانب پزشک است.

**افسردگی شدید:** افسردگی شدید بسیار خطرناک است و در آن علائم شدت زیادی دارند؛ بیمار دچار علائم جسمی، هذیان و توهم خواهد بود. در این مورد باید هر چه سریع تر به پزشک مراجعه کرد.

**افسردگی پنهان (خندان):** افراد مبتلا به افسردگی پنهان ادعا نمی کنند افسرده اند، اگر چه علائم دیگری دارند که نشان دهنده افسردگی است. پزشکان ممکن است قبل از تشخیص روانی، آن‌ها را از نظر بیماری های جسمی معاینه کنند.



افسردگی یکی از شایع‌ترین تشخیص‌های روانپزشکی است که مشخصه آن خلق افسرده و احساس غمگینی، اعتماد به نفس پایین و بی علاقه‌گی به هر نوع فعالیت و لذت روزمره مشخص می شود؛ افسردگی شامل گریز از فعالیت یا بی علاقه‌گی و بی میلی است و می تواند بر روی افکار، رفتار، احساسات و تندرستی فرد تأثیر بگذارد.

افسردگی مجموعه ای از حالات مختلف روحی و روانی است که از احساس خفیف ملال تا سکوت و دوری از فعالیت روزمره بروز می کند و منجر به از کارافتادگی قابل توجه فرد در قلمروهای زندگی فردی، اجتماعی و اشتغال می شود و عملکردهای روزمره فرد همچون خوردن و خوابیدن و سلامتی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد.

## انواع افسردگی

**افسردگی خفیف:** این بیماری غالباً پس از یک حادثه تنش زای ویژه شروع می شود. شخص ممکن است علاوه بر احساس غمگینی، احساس اضطراب و نگرانی هم داشته باشد؛ تغییر شیوه زندگی معمولاً برای از بین بردن این نوع افسردگی کافی است.

نویسنده: مهدی کیومرثی



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان

راز خلقت، یکی از مهم‌ترین اهدافی است که انسان‌های بسیاری در پی کشف آن بوده و در راه آن تلاش زیادی کرده‌اند. شعر زیر که از دفتر چهارم مثنوی معنوی نقل شده است، به بیان حکمت و راز آفرینش و چگونگی دستیابی به آن می‌پردازد. مولوی به طرز ماهرانه‌ای هم‌کلام شدن حضرت موسی (ع) با خداوند متعال را بیان می‌کند. او با بیان پرسش‌هایی از روی آگاهی، به دنبال سبب و علت خلقت می‌باشد. در ادامه به این شعر و داستان بازنویسی شده آن می‌پردازیم.

گفت موسی ای خداوند حساب نقش کردی باز چون کردی خراب نر و ماده نقش کردی جان‌فزا وانگهان ویران کنی این را چرا گفت حق دانم که این پرسش ترا نیست از انکار و غفلت وز هوا ورنه تأدیب و عتابت کردمی بهر این پرسش ترا آزردمی هم سؤال از علم خیزد هم جواب هم چنانک خار و گل از خاک و آب	موسیا تخمی بکار اندر زمین تا تو خود هم وا دهی انصاف این چونک موسی کشت و شد کشتش تمام خوشه‌هاش یافت خوبی و نظام داس بگرفت و مر آن را می‌برید پس ندا از غیب در گوشش رسید که چرا کشتی کنی و پروری چون کمالی یافت آن را می‌بری گفت یا رب زان کنم ویران و پست که درینجا دانه هست و گاه هست	نیست حکمت این دو را آمیختن فرق واجب می‌کند در بیختن گفت این دانش تو از کی یافتی که به دانش بیدری بر ساختی گفت تمیزم تو دادی ای خدا گفت پس تمیز چون نبود مرا در خلائق روح‌های پاک هست روح‌های تیره گلناک هست بهر اظهار است این خلق جهان تا نماند گنج حکمت‌ها نهان
--	--	---

در روزگاران قدیم، حضرت موسی (ع) از خداوند پرسید: «ای خداوند دانا و توانا! حکمت این کار چیست که موجودات را می‌آفرینی و باز همه را خراب می‌کنی؟ چرا موجودات نر و ماده زیبا و جذاب می‌آفرینی و بعد همه را نابود می‌کنی؟» خداوند فرمود: «ای پیامبر من! من می‌دانم که این سؤال تو از روی نادانی و انکار نیست و گرنه تو را سرزنش می‌کردم و عذابت می‌دادم؛ اما می‌دانم که تو می‌خواهی راز و حکمت کارهای ما را بدانی و از راز سیر آفرینش آگاه شوی و مردم را از آن آگاه سازی. تو پیامبر من هستی و جواب این سؤال را می‌دانی. این سؤال از علم برمی‌خیزد. هم گمراهی از علم ناشی می‌شود هم هدایت و نجات، همچنان که دوستی و دشمنی از آشنایی برمی‌خیزد. ای موسی! برای اینکه به جواب سؤالت برسی، دانه گندم در زمین بکار و صبر کن تا خوشه شود.»

حضرت موسی (ع) بذرها را کاشت و گندم‌هایش رسید و خوشه شد. داسی برداشت و مشغول درو کردن شد. ندایی از جانب خداوند رسید که: «ای موسی! تو که کاشتی و پرورش دادی، پس چرا خوشه‌ها را می‌بری؟»

حضرت موسی (ع) جواب داد: «ای پروردگار من! در این خوشه‌ها، گندم سودمند و مفید پنهان است و درست نیست که دانه‌های گندم در میان گاه بماند، عقل سلیم حکم می‌کند که گندم‌ها را از گاه جدا کنیم.»

خداوند از او پرسید: «این دانش را از چه کسی آموخته‌ای که با آن یک خرمن گندم بکاری و برداشت کنی؟»

موسی (ع) گفت: «ای خدای بزرگ! تو به من قدرت شناخت و درک عطا فرموده‌ای. تو به من یاد دادی.» خداوند فرمود: «پس چگونه تو نیروی شناخت داری و من ندارم؟ در وجود همه خلائق، هم روح‌های پاک و هم روح‌های تیره و سیاه وجود دارد. خلائق جهان را برای آن می‌آفرینم که گنج حکمت‌های نهان الهی، آشکار شود. خداوند، گوهر پنهان خود را با آفرینش انسان و جهان آشکار کرد، پس ای انسان، تو هم گوهر پنهان جان خود را نمایان کن.»



## تپه های مریخی سیاره گمشده دامغان

نویسنده: مظاهر منیدری



دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
دبیر کانون ایرانگردی و ایرانشناسی

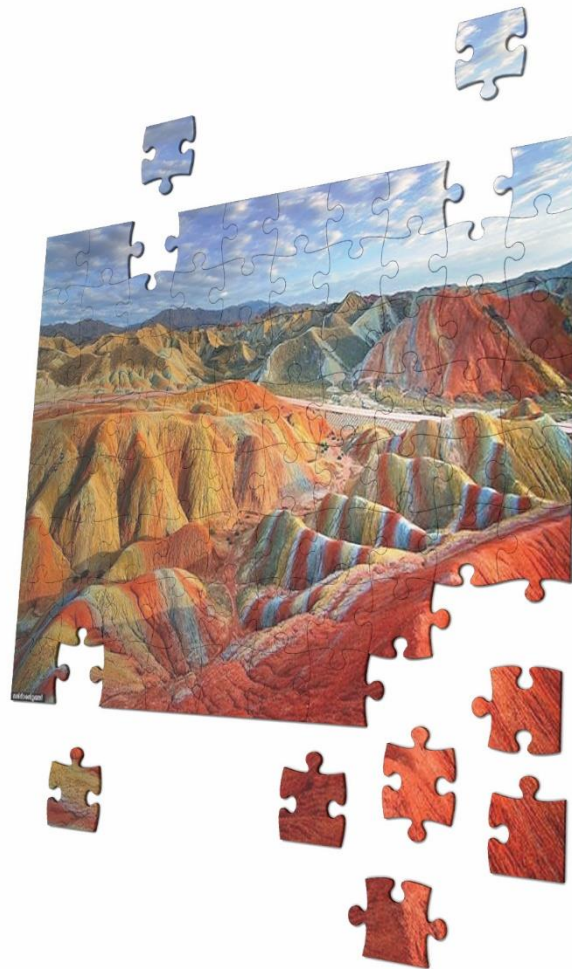
تپه های مریخی در کنار تپه های نمکی، با وجود لایه های زیبای رنگی و دالان ها و تونل ها همگی با هم دست دوستی داده و مقصد مناسبی برای اجرای برنامه های گردشگری شده است.

تپه های مریخی دامغان زیبا و عجیب هستند، که هیچ نوع سختی نمی تواند مانع از رفتن به جوار آنها و دیدن جذابیتشان شود. این تپه ها در ارتفاع 840 متری از سطح دریا قرار دارند ولی با توجه به آب و هوای منطقه، بهترین زمان برای سفر به آنجا و دیدن از تپه ها نیمه اول بهار، پاییز و زمستان است.

تپه های مریخی دامغان به عنوان یکی از مناطق زمینی که به تپه های موجود در کره مریخ بسیار شبیه است، در سازمان ناسا (سازمان فضایی آمریکا) ثبت شده است و جالب تر اینکه ناسا، نام پارک گردشگری فضایی را بر این تپه ها گذاشته است.

تپه های مریخی چهره ای زیبا از طبیعت را به نمایش می گذارد که با تماشای آن به شدت احساس آرامش به انسان دست می دهد؛ چهره بکری که در کمال سادگی جلوه خاصی را به این پدیده ها می دهد. این تپه ها به قدری به تپه های موجود در سیاره مریخ شبیه اند که انگار قطعه ای از کره ی مریخ بر زمین افتاده است.

تپه های مریخی دامغان، یکی از پدیده های زمین شناختی بسیار زیبا و جذاب است. این تپه های هزار رنگ، در میان دشت های کویری، به زیبایی هرچه تمام تر منظره ای چشم نواز را به تصویر می کشانند. این جاذبه ی گردشگری همچون پستی و بلندی های کره مریخ از رنگ های زرد، قرمز، نارنجی و قهوه ای تشکیل شده است و به همین علت این نام را برایش انتخاب کردند.



در این شماره در خدمت دکتر حمیدرضا کریم، ریاست محترم دانشگاه فرهنگیان سمنان هستیم. ایشان دارای مدرک کاردانی آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم و کارشناسی مترجمی زبان از دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشند. پس از اخذ مدرک کارشناسی، در رشته زبان شناسی دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده و دکترای آموزش زبان انگلیسی را از دانشگاه UTM مالزی اخذ کرده‌اند.

**به نظر شما دانشگاه فرهنگیان چه مقدار برای فعالیت های پژوهشی و علمی اهمیت قائل است؟**

ببینید دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه ماموریت گراست و رسالت مهم و مشخصی دارد. در دانشگاه فرهنگیان، اساس، تربیت معلم است. اگر هم پژوهشی صورت می‌گیرد باید بر اساس سرفصل های تعلیم و تربیت باشد. اساسا پژوهش هزینه زیادی دارد و دانشگاه فرهنگیان دارای بنیه و سخت افزار قوی نیست؛ چون تازه بنیان است. با همین شرایط در سال گذشته اساتید دانشگاه فرهنگیان در بخش مقاله بعد از دانشگاه تهران دوم شدند.

**از چه راه هایی می‌توان برای انتقال صحیح نقد و مطالبه گری استفاده کرد؟**

متأسفانه همه فکر می‌کنند منظور از نقد صرفا بیان نقاط ضعف یا تخریب شخص است. ما بایستی برای اصلاح این موضوع به تفکر نقاد روی بیاوریم یعنی ما باید در هنگام نقد یک شخص یا موضوع به تمامی جوانب توجه کنیم. به عقیده بنده بهتر است اولاً ما منصف باشیم ثانیاً با موضوعات علمی برخورد کنیم ثالثاً در نقد کردن هیجانی عمل نکنیم.



**یکی از صحبت های میان دانشجویان این است که در مصاحبه ی ورود دانشگاه بیشتر به فعالیت های مذهبی توجه می شود تا به فن بیان و انتقال مطالب؛ به نظر شما، چه معیارهایی علاوه بر ایمان شخص، از اهمیت بالایی برخوردارند؟**

به نظر من نحوه مصاحبه باید تغییر کند یعنی با مصاحبه یک ربع یا بیست دقیقه ای نمی شود فرد را به طور کامل ارزیابی کرد. کارشناس های ما باید در سال های آخر دبیرستان به مدارس بروند و دانش آموزانی را که دارای توانایی و استعداد هستند شناسایی کنند.

**آیا با نفس دانشگاه فرهنگیان موافق هستید؟**

همان طور که می دانید در واقع از رسالت ها در دانشگاه های سراسر جهان آماده کردن نیروی متخصص برای نیاز جامعه است، هر جامعه ای به فراخور افرادی که بخواهند مشکلات را حل کنند؛ پزشک، مهندس، تکنسین حتی الان طوری شده که در جوامع انسانی مشاغلی که زیاد هم تخصصی نیستند به عنوان مثال، کارگر ها باید آموزش ببینند. این امر در زمینه تعلیم و تربیت بسیار مهمتر است. علی الخصوص تربیت حرفه ای معلم از نیاز های جوامع بشری است. در ایران حدود صد سال است به صورت حرفه ای این کار صورت می‌پذیرد.



● ● به نظر شما بهترین وزیر آموزش و پرورش چه شخصی بود؟

من می توانم به شخص خاصی اشاره کنم ولی هر شخصی که بر منصب وزارت آموزش و پرورش تکیه داده است این نهاد را با توجه به علایق و سیاست های مد نظر خود به سمتی سوق داده است. ولی به نظر بنده شورای عالی آموزش و پرورش بایستی خط مشی وزرا را انتخاب کند.

● ● به نظر شما چه گروه هایی از دروس باید از برنامه درسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان حذف و یا چه گروه هایی اضافه شود؟

حذف و اضافه درس، امری تخصصی و خیلی پیچیده اما اصلاح پذیر است. در کل نیاز های سیستم آموزش تربیت معلم با توجه به همه مولفه های آن بودجه بندی یا سهمی را تعیین می کنند که برای مثال یک دانشجوی آموزش ابتدایی چه چیزهایی را برای حضور در کلاس درس، تدریس و برخورد با نیازهای ویژه دانش آموزان نیاز دارد. دروسی داریم مانند دروس تربیتی که به عنوان یک مولفه در دانشگاه فرهنگیان نسبت به سایر دانشگاه ها اهمیت بیشتری دارد یا دروس تعلیم و تربیت اسلامی که به دلیل حضور ما در یک نظام اسلامی باید یک معلم تا حدودی با آنها آشنا باشد و آن ها را بداند؛ یا اینکه بخش اعظم این واحد های درسی، روش تدریس می باشند.

● ● چرا دانش آموزان کنکوری، دانشگاه فرهنگیان را در اولویت های اول خود قرار نمی دهند؟

من در این زمینه با شما موافق نیستم. بنده چند وقت پیش با دختر خاومی صحبت کردم که با رتبه ۲۷۰۰ موفق به قبولی در دانشگاه فرهنگیان نشده بودند یا دختر خاومی که با رتبه ۶۰ قبول شده بودند. حتی امسال بیش از ۱۷۰۰ نفر با رتبه های کمتر از هزار در دانشگاه های فرهنگیان کل کشور در همه رشته های نظری قبول شدند.

● ● علت کمبود شدید معلم در سال های اخیر چیست؟ آیا ما میدانستیم روزی نیمی از معلمان بازنشسته خواهند شد؟

حرفی که شما میزنید کاملا درست است. در دهه شصت بدلیل سرعت بالای افزایش جمعیت، جذب نیرو برای تربیت معلم بسیار جدی بوده است ولی در حال حاضر اکثر این افراد بازنشست شده اند. همچنین تا ده سال آینده در حدود ششصد هزار نیرو بازنشست می شوند. به همین دلیل مجبوریم تا از افرادی که در دانشگاه فرهنگیان تحصیل نکرده اند هم استفاده کنیم. غفلت در این زمینه و مدیریت نامناسب کاملا مشهود است و ما می بایست در دهه های گذشته اقدام به تقویت نهاد تربیت معلم می کردیم.

● ● اولین کلماتی که با شنیدن این کلمات به ذهنتان می رسند را برای ما بیان کنید.

معلم: هنرمند عرصه تعلیم و تربیت و شاه بیت نظام آموزشی  
سند تحول بنیادین: مظلوم، چیزی که حقش هنوز ادا نشده  
طلوع: انرژی و شادکامی، امید  
دانشگاه فرهنگیان: خانه امید  
آموزش و پرورش: رسالت سنگین

نویسنده: بهمن رضایی



دانشجو معلم رشته علوم علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
سر دبیر نشریه طلوع

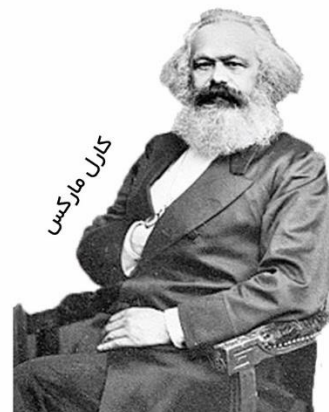
هر لباسی در بیابند و در هر جبهه ای قرار بگیرند و به هر چیزی تظاهر کنند و انسان هایی هستند بسیار چاپلوس. لومپن ها حتی می توانند از دشمنان خارجی هم خطرناک تر باشند چرا که اگر به منصبی برسند کشور را از درون مکیده و پوک و نابود می کنند. ولی این افراد چگونه می توانند در جامعه به جایگاه و مقام برسند؟ در ابتدا باید عرض کرد که اگر شما برای سیستم آموزش و پرورش و ارگان های تربیتی خود بودجه و زمان مناسب در نظر نگیرید افراد لومپن های جامعه ی شما به شدت افزایش پیدا خواهند کرد و این خود احتمال اینکه یک لومپن به سیستم برسد را بیشتر می کند.

اگر در نظام یا کشوری سیستم اقتصاد کارآمد و از قالب بندی و نظم خوبی برخوردار نباشد، لومپن ها به خوبی رشد می کنند و بزرگ می شوند و حال اگر در سیستم سیاسی وضعی وجود داشته باشد برای مثال سیستم ارزش گذاری و فیلترهای شما ضعیف باشند و یا معیارهای خوبی برای ارزیابی انسان ها نداشته باشید، این افراد به راحتی خود را با استفاده از تظاهر و چاپلوسی به بالا می کشند

ب) افرادی که در سیستم، صاحب منصب می شوند و مسئول اجرای طرح ها هستند و اعضای سازمان ها یا ادارات و مقام ها را تشکیل می دهند مانند کارمندان هر اجتماع (ج) توده ی مردم که آرمان یا ایدئولوژی خاصی ندارند ولی پایبند ارزش ها و هنجارهای جامعه هستند و اکثریت جامعه را تشکیل می دهند. برای این افراد رفاه خود و خانواده در اولویت است و فقط زمانی که احساس خطر کنند رفاه و منافعشان در خطر است، حاضرند فعالیت یا حرکت سیاسی داشته باشند (د) و اما دسته ی چهارم همان لومپن های سیاسی هستند که در این نوشته بیش از همه مد نظر ما می باشند. در واقع لومپن ها به شدت فردگرا هستند و فقط سود شخصی در اولویت آن ها قرار دارد و برایشان هیچ چیز و هیچ کس به اندازه ی سودشان با ارزش نیست. این افراد علم، تخصص و یا هنر خاصی ندارند و فقط به دنبال سوء استفاده از فرصت ها و موقعیت ها هستند.

بدتر از همه، این افراد پایبند هیچ گونه اصول، ارزش و یا هنجار خاصی در جامعه نیستند و در هر زمانی برای رسیدن به سود شخصی حاضرند به

لومپن واژه ای است که در ابتدا توسط کارل مارکس و فردریش انگلس وارد ادبیات سیاسی شد. آنان لومپن ها را طبقه ای از جامعه می دانستند که بر خلاف کارگرها یا سرمایه گذاران در تولید هیچ نقشی نداشته، در حاشیه ی اجتماع از راه های نامتعارف مانند گدایی، واسطه گیری و کلاهبرداری امرار معاش می کنند و می توانند در هر زمانی در هر جبهه ای قرار بگیرند. می توانند طرفدار ملت یا ضد آنها باشند.



این واژه در علم سیاست امروز حیطه و خصلت های بیشتری را در بر می گیرد. در واقع از لحاظ دیدگاه و فعالیت سیاسی می توان انسان ها را به چهار دسته تقسیم کرد:

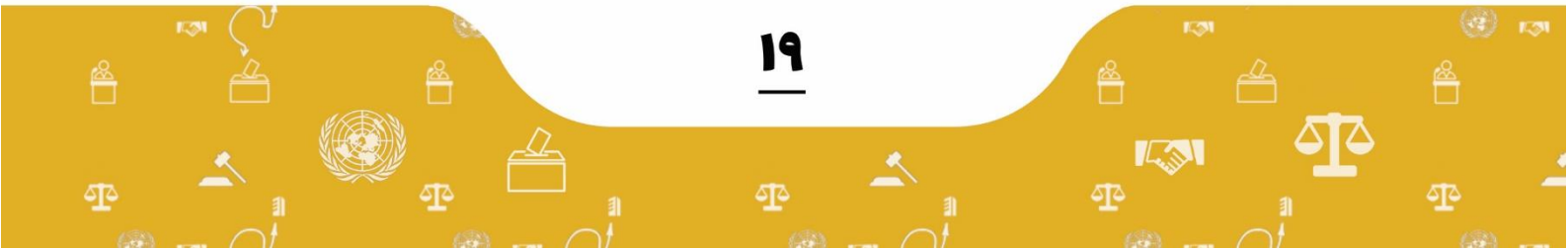
الف) رهبران: این افراد با ایمانی راسخ ایدئولوژی های خود را ترسیم می کنند و پای آنها می ایستند و اغلب انسان های آرمان گرا هستند مانند هیتلر، گاندی، امام خمینی (ره) و...



در واقع آن‌ها می‌توانند مانند انگل‌های اجتماعی هر جا و در هر لباسی حضور داشته باشند و این وظیفه‌ی ما و طراحان سیستم‌های سیاسی است که مراقب باشیم و نگذاریم این افراد در جامعه رشد پیدا کنند و ارزش‌های خود را بر جامعه تحمیل کنند. در غیر این صورت این افراد کشور را از درون نابود می‌کنند و برای مملکت نه اقتصاد، نه فرهنگ و نه حتی سیاست باقی می‌گذارند.

جامعه در دراز مدت دچار تغییر می‌شود. معمولاً هم چون این افراد به نوعی شبیه دلالان هستند؛ پس نبود بروکراسی قوی و ضعیف و ناکارآمد باقی ماندن اقتصاد به سودشان است پس هرگز تلاش واقعی برای برطرف کردن آنها انجام نمی‌دهند و با تظاهر تقصیرها را برگردن دیگران می‌اندازند. حال این افراد در بعضی از سیستم‌ها به عنوان اشرافیت بی‌لیاقت و خان و خانزاده‌ها مطرح می‌شوند و در برخی از سیستم‌ها به عنوان آقازاده ظهور پیدا می‌کنند.

صاحب منصب و جایگاه‌های بالا می‌شوند و به الگوی موفقیت برای جامعه تبدیل می‌شوند. همان‌طور که گفته شد این افراد هنر و یا تخصص خاصی ندارند تا خودی به مردم نشان دهند و با استفاده از آن، تسلط و چیرگی خود را بر مردم حفظ کنند پس خود به خود شروع می‌کنند به باارزش کردن چیزهایی که دارند و یا می‌توانند با آن خودی نشان دهند و این‌گونه می‌شود که چیزهایی مانند تجمل‌گرایی، پول، ثروت و برندگرایی در جامعه تبدیل به ارزش و نماد موفقیت می‌شوند و ارزش‌های



نویسنده: محمد جواد عرب



نو معلم، دبیر ریاضی  
دانش آموخته دانشگاه فرهنگیان سمنان

شایان ذکر است که، افزایش نرخ بنزین در طرح جدید سهمیه بندی اثری مستقیم در هزینه های حمل و نقل و به تبع آن در هزینه های تولید و هزینه های خانوار خواهد داشت.



بنابراین اثرات تورمی ناشی از این اقدام بر خرده فروشی و عمده فروشی نیز از دیده ها پوشیده نیست. از آنجا که این تصمیم با مجوز سران سه قوه اعمال و اجرایی شده است، نظارت و ارزیابی هر سه قوه را می طلبد و هیچ یک از سران سه قوه نمی توانند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنند، چرا که؛ صرف نظر از این که دولت به ناچار دست به این اقدام زده است، این اقدام در نهایت به تغییر الگوی زندگی افراد نیز منتهی می شود.

برخی معتقدند این سهمیه بندی در هر حال به دلیل کمبود بودجه دولت و کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریم ایران، اقدامی قابل دفاع است اما در مقابل برخی کارشناسان تاکید دارند که دولت می توانست با اصلاح ساختاری در نظام مالیاتی، کاهش درآمدهای نفتی را جبران کند و اصلاح ساختار قیمت حامل های انرژی را که بیم آن می رود در دیگر حامل های انرژی مانند آب و برق و گاز نیز تکرار شود، در مرحله ی بعدی قرار دهد. با این حال به اعتقاد آن ها، دولت ها راه حل ساده تر و بدون دردسر را انتخاب می کنند و به تبعات آن نیز چندان نمی اندیشند.

البته هر دولتی هم جای دولت تدبیر و امید بود، در صورتی که درآمدهای ارزی نفتی از حدی پایین تر بود، ناگزیر بود به اصلاحات ساختاری تن دهد. دولت ها و نهاد های حاکم در کشور ما؛ اعم از نهاد های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در صورت وفور درآمدهای نفتی، حاضر نیستند تن به اصلاحات ساختاری دهند و اصلاحات ساختاری فقط زمانی رخ می دهد که با کاهش درآمدهای ارزی نفت روبرو شویم.

بنزین شبانه گران شد و مردم را در شوک فروبرد. آن هم یک روز پس از آن که سخنگوی دولت اعلام کرده بود هنوز در هیئت دولت به جمع بندی در زمینه چگونگی اجرای طرح سهمیه بندی بنزین نرسیده اند و احتمالاً نیمه هفته آتی زمان موعود فراخواهد رسید و مردم در جریان قرار می گیرند. اگر نگاهی به روند افزایش قیمت بنزین از زمان دولت احمدی نژاد تا کنون داشته باشیم، نرخ بنزین (آزاد) از صد تومان به سه هزار تومان افزایش یافته است که نشان دهنده افزایش 30 برابری قیمت، در طول چهارده سال است. دولت اعلام کرده است سهمیه بندی و افزایش قیمت، با مجوز سران سه قوه به مرحله اجرا رسیده است.







زحمت کشیدی را بر باد میدهد. مسئولین محترمش از تو سخن خواهند گفت، از خودشان خواهند گفت که همیشه به دنبال حمایت هستند و تنها دغدغه‌شان دانشجوست؛ اما تو فریب نخور. تنها دغدغه‌ای که ندارند همین دانشجو است.

قرار نیست مسیر جدید و فکر جدیدی ساخته شود. فقط قرار است به همان چیزهایی که سال‌های سال است آموزش می‌دهند اضافه شود. قرار نیست خلاقانه عمل کنی. سیستم آموزشی خودش زحمت کشیده و برای من و تو خلاقیت را تعریف کرده!



فعالیت بود. از مطالعه گرفته تا تحقیق و ... روز ها گذشت و بالاخره سال تحصیلی جدید دانشگاه شروع شد. امیر به دانشگاه نیامده بود. ابتدا مسئولین دانشگاه سراغش را نگرفتند. هیچ کسی سراغ امیر را نگرفت.

بعد از دو ماه بالاخره رییس محترم دانشگاه جویای امیر شد. این که کجاست و چرا به دانشگاه نمی‌آید؟ تا اینکه سر انجام امیر به علت غیبت غیرموجه اخراج شد. چند روز بعد دانشجویی جدیدالورود به دانشگاه آمد و از قضا به همان اتاقی رفت که اتاق امیر بود و دقیقاً همان تختی را به او دادند که تخت امیر بود. خوشحال بود که به دانشگاه آمده و می‌تواند تحصیل کند و به موفقیت برسد. دانشجوی جدیدالورود تشک روی تخت را برداشت تا تشک خودش را پهن کند که ناگهان نامه‌ای را دید! نامه را برداشت و خواند ...

سلام رفیق می‌دانم به دنبال رویاهای بزرگ هستی. اما بگذار تکه‌ای از حقیقت را که همیشه برای من تلخ بوده، تقدیم تو کنم. رفیق من. اینجایی که آمدی چیزی برایت ندارد. تمام رویاهای زیباییات را که سال‌ها برایش

خیلی خوشحال بود که تازه به دانشگاه آمده بود. پس از سال‌ها درس خواندن، بالاخره موفق شد به دانشگاه مورد علاقه‌اش راه پیدا کند. در راه دانشگاه با خود فکر می‌کرد که چه کارها که کند و چه تجاربی پیدا کند. حتی نگران بود که نکند وقت خالی نتواند پیدا کند و صبح تا شب مشغول کار و مطالعه شود. سرانجام به دانشگاه رسید. سرشار از ذوق و هیجان بود. یک حس بسیار خوب که برای رسیدن به این حس سال‌ها درس خوانده بود.



ابتدا در چند انجمن دانشگاه ثبت نام کرد. در تمامی کلاس‌ها همراه با خود کتاب آن درس را می‌برد و یا جزوه می‌نوشت. کلی سوال می‌کرد و در برخی موارد چالش آفرین می‌شد. در خوابگاه هم همیشه به دنبال

# بخش ویژه طنز غروب

## مکالمه تاریخی



من خودمم جمعه صبح متوجه شدم بنزین گرون شده



به جون خودمون عشقی عشق



دیگر به خوابگاه می آیم. از همه دانشجویان خداحافظی می کنم



آزاد شدیم ننه، ایشالا آزادی قسمت همه



یک گیگ اینترنت رایگان، به پاس عذر خواهی به مردم خواهیم داد



ای شیطان! ترسیدی دو گیگ بدی جمعیت زیاد شه



گران شدن بنزین باعث گران شدن کرایه ها شد، که نباید میشد



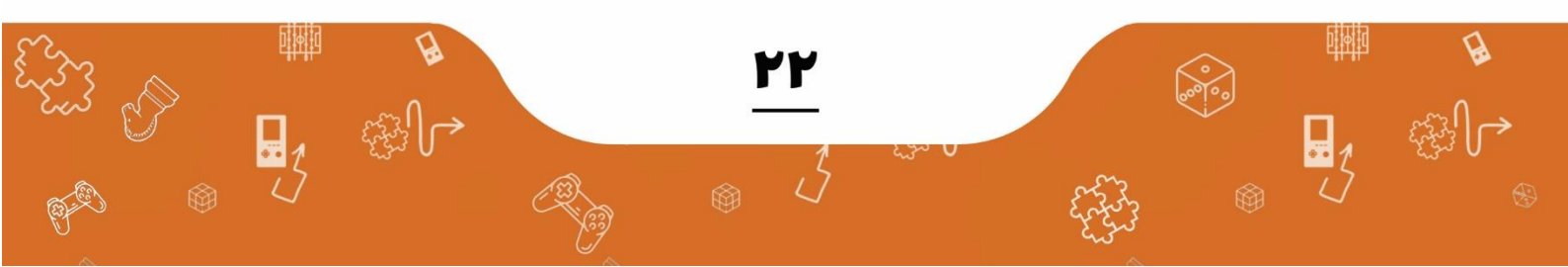
سیبیلاaaaaaaaaaaaaaaaaaaaaاام

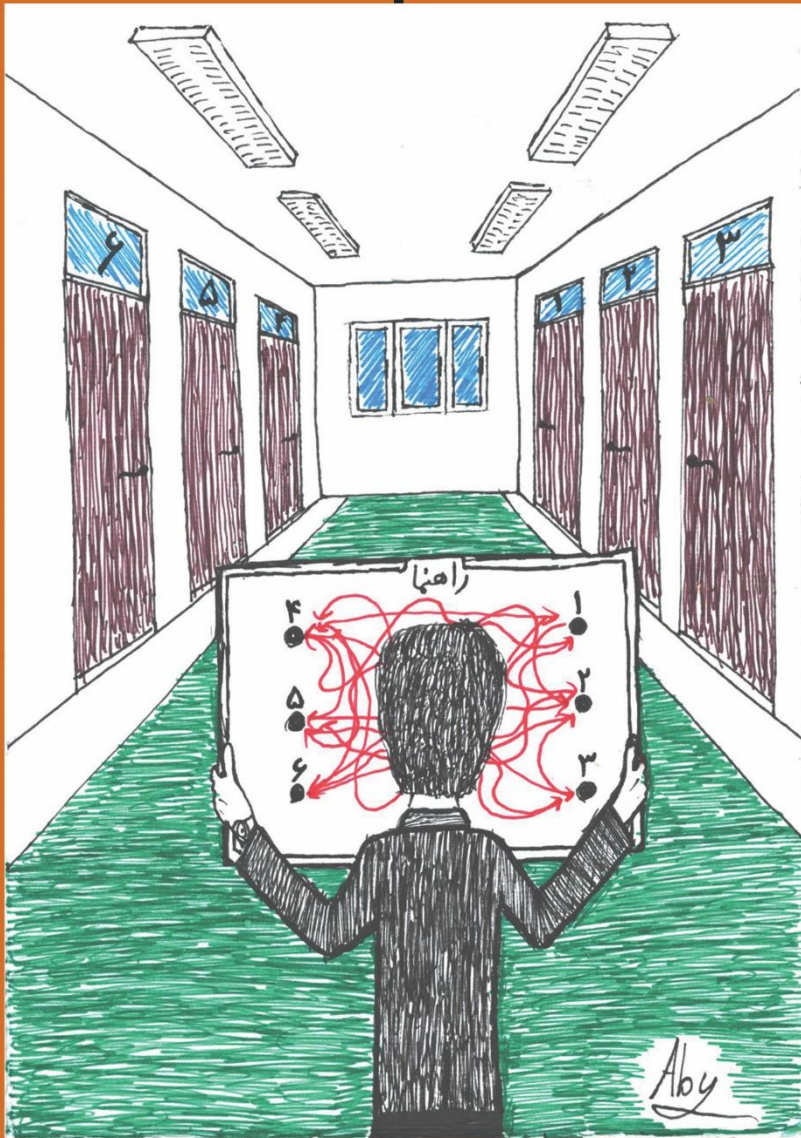


به جای واژه آپاندیس از واژه آویزه استفاده کنیم، چرا که آپاندیس برای مردم ناآشناست



آویزه! آویزه! کجای بدن آویزه! آهان ای بابا آپاندیس دیگه





کاریکاتور است: ابوالفضل زحمتکش

نفسی کشید ، در زد و وارد اتاق شد،  
مردی کت و شلواری پشت میز نشسته بود  
\_سلام  
+\_و علیکم  
\_برای امضا برگه اهدای وام ازدواج مزاحم  
شدم  
+\_مدارک و سابقه کاری تون رو بدید ببینم  
\_بفرمایید  
+\_اووووم، خب این در حوزه کاری و اداری ما  
نیست، تشریف ببرین اتاق ۲ پیش آقای ...  
مستر حیرون داستان ما به سمت اتاق ۲ رفت و  
وارد شد ،مرد چاقی که پشت میز بود بهش  
گفت  
+\_شما باید مستر حیرون باشی درسته؟  
\_بله خودم هستم  
+\_خب با توجه به بند ۱۱۳ تبصره ۱۱۷ الحاقیه ۱۳۷  
قانون ... شما تشریف ببرید طبقه بالا اتاق ۳  
مستر حیرون حکایت ما عصبانی شد و داد و  
فریاد راه انداخت....  
ناگهان سر و کله مأمورین اداره پیدا شد، به  
جان بی جاناش افتادند و در حالیکه یقه اش  
را گرفته بودند گفتند :  
+\_آقای محترم اینجا مکان اداریه لطفاً سکوت  
را رعایت کنید.  
مستر حیرون با ناراحتی گفت :آقا اصلاً  
رییس اینجا کیه من می‌خوام ایشون رو  
ببینم.

آقای رئیس: خب جناب بفرمایید چه خدمتی می‌تونم بکنم؟

\_ آقای رییس من شکایت دارم؛ کارکنان شما کار منو راه نمیدانند. همش منو از  
این اتاق به اون اتاق میفرستن.

رییس: چنین چیزی قطعا و قانوناً وجود خارجی در اداره ما ندارد، اینجانب رسماً  
تکذیب می‌کنم .

\_ ولی آقای رییس


+ ولی ندارد، تشریف ببرید اتاق ۱ ایشون کار شما رو راه خواهند انداخت.

مستر حیرون دوباره به اتاق ۱ رفت اما در آن اتاق هیچ کس نبود .

اینقدر ناراحت و ناامید شده بود که بیخیال وام شد . قصد بیرون آمدن از اداره را کرد  
اما انگار گم شده بود ، از یکی از مسئولان سوال کرد درب خروج کدام طرف است .

مسئول با صدایی رسا گفت : برای خارج شدن باید در سایت [www.....](http://www.....) ثبت نام کنی  
و منتظر اعلام نتایج بمانی. من هم باید بروم کار دارم... التماس دعا





بهر پروازی بلند  
باید پرید  
باقی اش با توست  
هم صعود است و سقوط